

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۲۰

جمعه ۸ شهریور ۱۳۹۲، ۳۰ اوت ۲۰۱۳

پاسخ به چند سوال مارکس، مرام اشتراکی، آزادی (بخش دوم)

اصغر کریمی

صفحه ۴

در گرامیداشت زندانیان سیاسی جان باخته

بهروز مهرآبادی

صفحه ۳

وعده دولت روحانی، سونامی بیکاری

شهلا دانشفر

صفحه ۶

خطر تعطیلی "ایران ترانسفو" زنجان و بیکار سازی ۲۸۰۰ کارگر!

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۷

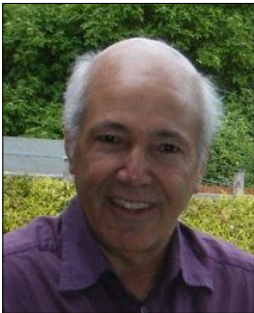
شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا باید رفع اتهام شوند

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۷

روحانی و اپوزیسیونی که مدام "اشتباه" میکند

کاظم نیکخواه



فریبکارانه و تکرار یک سناریوی قدیمی آبرو باخته از جانب نیروهایی نظیر دوم خردادها و ملی اسلامی ها و رسانه هایی نظیر بی بی سی است که تمام هم و غمشان طی ۳۴ سال گذشته آشتی دادن مردم با جمهوری اسلامی و جلوگیری از سرنگونی حکومت اسلامی سرمایه داران با انقلاب کارگران و مردم بوده است.

روحانی یک آخوند کهنه کار جمهوری اسلامی است که از ابتدای روی کار آمدن این حکومت از طراحان و بنیانگذاران و خط دهندگان آن بوده است- او اکنون پا پیش گذاشته است تا با "تدبیر و تعامل" صفوف شدیداً درهم ریخته حکومتش را علیه مردم بجان آمده جمع و جور و متحد کند. تجربه ۳۰ سال گذشته باید به مردم ثابت کرده باشد که به این حکومت یک لحظه نباید فرصت داد و بدون هیچ تامل و تردیدی باید مبارزه

با رو کار آمدن حسن روحانی جنب و جوش و تقلا تازه ای از جانب جریانات مدافع حکومت اسلامی در اپوزیسیون و در درون حکومت به جریان افتاده است. این نیروها امیدی تازه یافته اند و دست به کار این شده اند که در سایه این تغییر برای حکومت اسلامی شان چندسالی دیگر عمر بخرند. به زعم آنها روحانی قرار است مشکلات اقتصادی را حل کند، فضای سیاسی را باز کند و حکومت اسلامی را قابل تحمل نماید. کلید همه این تحولات نیز از نظر آنها آشتی حکومت با غرب و قطع تحریم هاست و روحانی گویا مصمم به این تغییر و تحول است. با این پروپاگانداست که جریانات حکومتی و اپوزیسیون رنگارنگ مدافع حکومت مردم را به انتظار فرا میخوانند و موعظه توقف مبارزه و طرح خواستها را به مردم میدهند. این یک تاکتیک پوچ و

علیه تمام جناحهای این حکومت و علیه این جهنم موجود را که زندگی توده مردم را غیر قابل تحمل کرده است گسترش و شدت داد- این تنها راه مقابله با رنج و درد و فقر و فلاکت و محرومیت در این جامعه است.

رویدادهای همین چند ماه اخیر و تشدید اعدام ها و فشار بر زندانیان سیاسی و ادامه بگیر و ببندها و زندانی کردن فعالین کارگری و بسیاری از فاکتورهای دیگر بر این واقعیت بدیهی تاکید

صفحه ۲

سوریه: مجازات یک انقلاب!

مصطفی صابر



است. باید اعتراف کرد که ما با وضعیتی بسیار اسفبار و شرم آور روبرو هستیم. دولت اسد و متحدینش (روسیه، جمهوری اسلامی، حزب الله لبنان و) چنان روزگار سیاهی را بر مردم سوریه تحمیل کرده اند که جهان باید یکپارچه علیه آن اعتراض و نفرت شود. اما از سوی دیگر در میان مخالفین اسد نیروهای سیاهی دست بالا گرفته اند که بهمان اندازه نفرت انگیزند. در سایه سیاست غرب که خواهان معامله با روسیه بر محور "اسد" بود اما سیستم باقی بماند" و تداوم وضعیتی کجدار و مریز است، دولت‌های منطقه نظیر ترکیه و عربستان سعودی و نیروهای وحشی اسلامی و یا سر به این دولتها، کاملاً فعالند و

جنایت مدهش بمباران شیمیایی دمشق در هفته گذشته بار دیگر جهان را متوجه شرایط مهلک حاکم بر مردم سوریه کرد. به احتمال زیاد این سبعیت کار اسد بود که میدانیم برای بقای خود از هیچ جنایتی فروگذار نکرده و نمی کند. هرچند اینرا هم میدانیم که در بین اپوزیسیون او نیز به همان اندازه ظرفیت جنایت وجود دارد. بهررو، این جنایت، تاثر و تالم افکار عمومی جهان و نگرانی عمومی از خطر بکارگیری گسترده تر سلاح شیمیایی، فرصتی به دول غربی و متحدین محلی آنها (نظیر ترکیه و عربستان سعودی) داد تا مساله حمله نظامی به منظور "تنبیه بشار الاسد" را در دستور قرار دهند. چیزی که به نوبه خود موجب بیم و التهایی جهانی شده

اهداف خاص خود در رقابت های منطقه ای را پیش میبرند. انقلاب و مبارزه بر حق مردم سوریه برای رهایی از شر اسد اکنون عقب رانده شده و سوریه عرصه کشمکش قطب های بورژوازی، ارتجاعی و ضد انقلابی شده است که هر یک برای پیشبرد منافع و سیاست های خود مسابقه خون پاشیدن به

صفحه ۸

روحانی و اپوزیسیونی که مدام "اشتباه" میکند

کاظم نیکخواه

میکند که جمهوری اسلامی تا آنجا که به سیاستهایش در قبال مردم مربوط میشود هیچ تغییری نکرده است و نخواهد کرد. هنوز يك ماه از روی کار آمدن این حکومت گذشته دارند همه وعده هایشان را یکی یکی پس میگیرند- برای نمونه وزیر اقتصاد روحانی طیب نیا میگوید وعده ۱۰۰ روزه روحانی برای بهبود اقتصاد عملی نیست و چهار پنج سال طول میکشد که بهبودی را شاهد بشویم- او از "سونامی بیکاری" که در راه است سخن میگوید- رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس اسلامی هم از افزایش ۳۸ درصدی حاملهای انرژی و افزایش بیشتری در قیمت آب و برق توسط دولت روحانی خبر میدهد - تازه همه اینها نسبت به آنچه از نظر اقتصادی در راه است هیچ نیست- همانگونه که تاکنون بوده است بدون شدت دادن فشار مبارزه کارگران و مردم بر گلوی سران این حکومت اوضاع هر روز به زیان مردم تغییر خواهد کرد. نباید اجازه داد که همچون دوره خاتمی یکی مشغول جنایت بشود و یکی مردم فریبی کند و جنایات را توجیه کند .

حکومت تغییر پذیر نیست

اساس مساله اینست که جمهوری اسلامی بنا به ماهیت خود مسیر غیر قابل بازگشتی را طی میکند. ۳۴ سال سلطه این حکومت نشان داده است که تغییر پذیر نیست. سناریوهای استحاله و بهبود اوضاع و امثال اینها فریبکاری جریاناتی نظیر توده ای - اکثریتی ها و ملی اسلامی های اپوزیسیون شده و امثال آنهاست که ۳۰ سال است به هر آخوند تازه سرکار آمده ای دخیل بسته اند و هر بار با موج برگشتی که بر صورتشان خورده و زیر فشار مردم مجبور شده اند بگویند اشتباه کردیم و غلط

کردیم و ارزیابی مان در مورد خاتمی و رفسنجانی و حتی خمینی اشتباه بود. این بار بقایای دوم خردادیهای سابق با سرشکستگی به خاکریز روحانی و در واقع رفسنجانی که او را دشمن خونی میدانستند عقب نشسته اند. و بدون شک موج برگشت این دوره آنها خیلی زودتر از قبل صورت خواهد گرفت و میتوان گفت از هم اکنون شروع شده است.

این حکومت فی الواقع راهی هم برای تغییر ندارد. یا باید توسط مردم سرنگون شود و یا اوضاع بر همین منوال پیش خواهد رفت و هر روز به زیان کارگران و زنان و جوانان و همه مردم، بدتر و غیرقابل تحمل تر خواهد شد. بن بست و معضل اساسی این حکومت هم همین جاست. حکومتی که مدام خشم و نفرت مردم را علیه خود فشرده کرده است را نمیشود يك ذره اصلاح کرد. نمیشود جلوی چپاولها دهها میلیاردی و صدها میلیاردی را يك ذره گرفت. نمیشود حجاب اسلامی را يك ذره کم کرد. نمیشود زندانیان سیاسی را يك ذره آزاد کرد یا "خودی" و "غیر خودی" کرد.

کسی از درون حکومت نميخواهد و قدرت این را ندارد که چپاول و دزدیهای بیحد و مرز از ثروتهای جامعه و از سفره مردم را متوقف کند و فشار فقر و فلاکت را بر کرده کارگران و مرم کم کند. کسی از درون حکومت نميخواهد و قادر نیست سیاست آپارتاید جنسی و تحقیر زنان و حجاب اجباری را متوقف کند. تورم و گرانی و اعدام و زندان و شکنجه و چماق قوانین کثیف اسلامی و هیچکدام از ناهنجاریهای مهلکی که خصیصه این حکومت طی ۳۴ سال گذشته بوده است، قرار نیست توسط روحانی یا هیچکدام از مالاها میلیارد

حاکم تخفیف یابد. این حکومت همین است. باید با آن جنگید، باید آنرا عقب راند، باید همانگونه که تاکنون ما مردم علیه آن جدال کرده ایم زیر فشارش قرار داد. تمام سران و دست اندرکاران امروز و دیروز این حکومت در جنایات و دزدیها و سیاستهای این حکومت سهیم و دخیلند.

محور و سرگل تبلیغات مدافعان سینه چاک روحانی اینست که گویا او با غرب سازش خواهد کرد و تحریمها کنار خواهد رفت. حتی همین يك گام که ظاهرا سراسر ترین کاری است که روحانی قرار است انجام دهد توسط جمهوری اسلامی با تناقضات و موانع بسیاری روبروست و تقریبا غیر ممکن است. سیاست استراتژیک ضد غربی حکومت اسلامی که سرچشمه همه کشاکش های اتمی است، دارد نشان میدهد که کشاکشها ادامه خواهد یافت و تهدید مداوم جنگ و حمله نظامی و فشار تحریمها نیز بر زندگی مردم شدت میگیرد. تنها قرار است يك دوره طولانی با مذاکره و رفت و برگشت مردم را در انتظار و سرکار بگذارد.

تازه مساله اینست که گرچه تحریمها فشار فقر و فلاکت و محرومیت را بر مردم افزایش داده است، اما مشکل اصلی مردم با تحریمها شروع نشده است، اقتصاد با تحریمها به بن بست نرسیده است، گرانی و تورم و بیکاری چند میلیونی و نپرداختن دستمزدها تنها حاصل تحریمها نیست. این سیاستهای اساسی جمهوری اسلامی و فساد و دزدیها و بن بست آنست که يك اقتصاد ویران و يك قشر انگل و میلیارد را به این جامعه تحمیل کرده است. گرانی فزاینده، بیکاری روبه افزایشی که وزیر کار روحانی آنرا "سونامی آینده بیکاری" مینامد، دستمزدهای زیر خط فقر و فشار

فقر و فلاکت بیشتر، نتیجه مستقیم این اقتصاد و بن بست اساسی جمهوری اسلامی است. بی تردید دولت روحانی اگر جرات کند تلاش میکند چندرغاز یارانه نقدی را نیز قطع کند. همه چیز حکایت از این دارد که تا آنجا که به حکومت مربوط میشود دوره روحانی دوره شدت یافتن فقر و فلاکت و بیکار سازیها و گرانی بیشتر است. حتی اگر در رابطه با غرب هم به سازشی برسند نه بحران اقتصادی تخفیف پیدا میکند و نه وضع مردم بهتر میشود .

تا آنجا که به وعده های گشایش سیاسی مربوط میشود نیز تردیدی در این که جمهوری اسلامی بخودی خود هیچ تغییری در سیاستهایش ایجاد نخواهد کرد نباید داشت. فشار بر زنان و جوانان و کارگران معترض و مخالفان حکومت بدون مبارزه ما مردم ذره ای تخفیف نخواهد یافت. کافی است کسی به کابینه روحانی که در آن جنایتکارترین آخوندها و عوامل جمهوری اسلامی دست چین شده اند نگاه کند تا بفهمد که اوضاع قرار است بر چه منوالی پیش رود و این آخوند نیز اگر بتواند چه خوابی برای مردم دیده است. برخی از وزرای روحانی نظیر ربیعی و پورمحمدی و غیره در دوره های دیگری مستقیما شکنجه گر و قاتل بوده اند و مدارج ترقی شان را از اوین و قزل حصار و شکنجه گاههای دیگر طی کرده اند. خود روحانی یکی از چهره های امنیتی حکومت است که طراح وزارت اطلاعات و "انقلاب فرهنگی" و امثال اینها بوده است-

در يك کلام ماجرا اینست که آخوندهای حاکم تلاش میکنند خود را مقابل ما مردم متحد و منسجم کنند. اما جنگ و نزاع و کشاکشهایشان از هم اکنون نه فقط تخفیف نیافته عمیق ترنیز شده است. اینها یکدیگر را

عامل فتنه و خائن و دزد و شکنجه گر خطاب کردند. جنگشان اجتناب ناپذیر است. باید مطمئن بود که جنگ و نزاعهای جدی و حادی میان دستجات دزد و جنایتکار حاکم در چشم انداز نزدیکی در راه است.

ما مردم باید تمام جناحها و باندها و مدافعان آنها را زیر ضرب مبارزه خود قرار دهیم. راه خلاصی ما اینست که فاطعانه همه را بعنوان نیروهای کشتارگر و مرتجع و ضد انسان محکوم کنیم و اعلام کنیم و فریاد بزنیم که این حکومت سرتاپایش باید برچیده شود و از صحنه جامعه محو گردد. وعده هایشان را باید بر سرشان کوبید. تبلیغات نفرت انگیز انتظار و صبر توسط اپوزیسیون کثیف استحاله چی را که مدام "اشتباه" میکند را باید افشا و طرد کرد. از هم اکنون باید نشان داد که مردم از نیروها و بلندگوهایی که کارشان توهم پراکنی به نفع يك جناح حکومت است متنفرند.

مردمی که فی الحال زیر بار فقر و بیکاری چندین میلیونی و حقوقها و دستمزدهای زیر خط فقر مجاله شده اند جایی برای صبر کردن ندارند. و صبر نخواهند کرد. تردیدی نباید داشت که خیلی زود جنبش سراسری کارگران و مردم برای معیشت و زندگی انسانی و علیه فقر و سرکوب و تبعیض گسترده و توانمند به جریان خواهد افتاد. زیرا برای مردم راهی جز جنگیدن برای بهبود زندگی وجود ندارد. اگر آمیدی برای بهبود اوضاع و کم شدن فشار فقر و گرانی و بیکاری و عقب راندن سیاستهای ضد زن و ضد انسانی اسلامی وجود داشته باشد چشم انداز روشن گسترش همین مبارزات و افق انقلاب میلیونی "نان و آزادی و برابری" برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. *

www.wpiranfa.com

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

در گرامیداشت زندانیان سیاسی جان باخته

بهروز مهرآبادی



بیش از سه نفر را اعدام کرد. آدمکشی، شکنجه و زندان اجزای جدایی ناپذیر جمهوری اسلامی است. این رژیم بدون این ابزار حتی یک روز هم دوام نمی آورد. آدمکشی یکی از نقاط مشترک اصلی کلیه باندهای مختلف جمهوری اسلامی است. کشتارهای دهه ۶۰ در دوره

نخست وزیر میرحسین موسوی انجام شد، قتل های زنجیره ای و بسیاری از احکام اعدام و سنگسار در زمان ریاست جمهوری محمد خاتمی و "گفتگوی تمدن" های او انجام شد. بسیاری از ترورها و اعدام ها در زمان "دولت سازندگی" هاشمی رفسنجانی انجام شد. او و ولی فقیه بخاطر ترور رستوران میکونوس تحت تعقیب پلیس بین الملل هستند. در حکومت احمدی نژاد هم اعدام ها بی وقفه ادامه یافت و مهر جنایات "گهریزک" برای همیشه بر پیشانی او نقش بست. حکومت اسلامی برای بقای خود، برای حفظ ارکان این نظام، برای تداوم استثمار وحشیانه از کارگران، برای تداوم حیات نکبت بار خود برای جلوگیری از برای جلوگیری از رشد جنبش رادیکال و سرنوشتی، راهی بجز سرکوب و جنایت ندارد.

از کار انداختن ماشین آدمکشی جمهوری اسلامی و نجات زندگی میلیونها انسان از نکبت جمهوری اسلامی یک امر مهم برای بشریت امروز است. مبارزه با این رژیم کثیف لحظه ای نباید قطع شود. خواست سرنوشتی جمهوری اسلامی و خواست محاکمه سران آن بجرم جنایت علیه بشریت باید در سراسر جهان باید طنین انداز شود. اعمال وحشیانه رژیم باید بطور وسیع در دنیا افشا شود. هر گونه تماس دولتمردان کشورهای مختلف با سران و دست اندرکاران این حکومت جنایتکار باید موجب شرم باشد و اعتراض افکار عمومی مردم جهان را بدنبال داشته باشد.

اینها کمترین کارهایی است که در گرامیداشت هزاران زندانی سیاسی جان باخته در زندانهای جمهوری اسلامی، می توان انجام داد. یاد همه این عزیزان گرامی باد.*

که جام زهر پایان جنگ را سرکشیده بود در وحشت از خیزش مردم و به جنبش درآمدن جامعه نیاز به ایجاد رعب و وحشت بیشتری داشت و زندانیان سیاسی آماج حملات سبعانه جمهوری اسلامی شدند. کشتار زندانیان از اوایل ماه مرداد آغاز شد و تا اواخر شهریور ادامه داشت. هزاران زندانی در مدتی کمتر از دو ماه توسط جلاان جمهوری اسلامی بقتل رسیدند. هنوز آمار دقیقی در دست نیست ولی بر اساس اطلاعاتی که توسط حسینعلی منتظری منتشر شد، حداقل ۳۸۰۰ نفر در این مدت اعدام شدند آمار واقعی اما بسیار بیشتر بود. حکم این "هولوکاست" اسلامی توسط خمینی صادر شد و هیئت سه نفره ای که از طرف او تعیین شدند، مأموریت یافتند تا "اشد علی الکفار" باشند و "سریعا دشمنان اسلام را نابود" کنند. هیئت های سه نفره یا "هیئت مرگ" در زندانهای اوین، گوهردشت، شیراز، رشت، کرمانشاه، دزفول و سایر زندانها حضور یافتند، و در جلساتی دو تا سه دقیقه ای و با طرح چند سوال کوتاه آن دسته از زندانیان سیاسی را که خطرناک برای رژیم تشخیص دادند، به دست جلاان سپردند.

اعدام و غیر انسانی ترین شکنجه ها در مورد زندانیان سیاسی هیچگاه قطع نشده است. هنوز تعداد زیادی از زندانیان سیاسی در خطر اعدام قرار دارند. جمهوری اسلامی از وحشیانه ترین روشها برای آزار رساندن و نابودی زندانیان سیاسی استفاده می کند. دست بدست شدن قدرت بین باندهای مختلف رژیم هیچ تغییری در سیاست آدمکشی آن نداده است و بسیاری از زندانیان سیاسی و همچنین زندانیان "عادی" در خطر اعدام هستند. دولت روحانی نیز در همان سه هفته اول کار خود

فلفل برای صدور حکم اعدام فرد زندانی، کفایت می کرد.

خمینی علاقه و عطش آدمکشی، دست و پا بریدن و سنگسار خود و حکومتش را در سخنرانی به مناسبت "عید" تولد محمد پیغمبر اسلام در سال ۶۱ بیان نمود و به "علمای اسلام قساوت بیشتر و پیروی از پیغمبر خود را در آدمکشی، به آنها یادآوری کرد: "شما آقایان علما چرا فقط سراغ احکام نماز و روزه می روید" چرا هی آیا رحمت را در قرآن می خوانید و آیات قتل را نمی خوانید. قرآن می گوید بکشید، حبس کنید ... پیغمبر شمشیر دارد تا آدم بکشد. ائمه همه جنبدی بودند، شمشیر میکشیدند، آدم



می کشتند... خلیفه می خواهیم که دست ببرد، حد بزند، رجم کند و با چند سال زندان کار درست نمی شود. این عواطف کودکانه را کنار بگذارید". و بدندان پلاتنفرم واقعی حکومت اسلام را به یک مشت جانی و مرتجع در حکومت، به دست اندرکاران حکومت و به گله حزب اله، به هر بچه حاجی و لمپنی اعلام کرد و معنی واقعی حکومت اسلامی را برای مردم آشکار کرد.

جنگ هشت ساله بهانه ای بود در دست جمهوری اسلامی برای سرکوب و کشتار بیشتر و توسط خمینی "برکت" اعلام شد. دستگیری و شکنجه و اعدام کمونیست ها، آزادیخواهان و مخالفین رژیم ادامه یافت. رژیم

ترکمن و دهها نفر از فعالین سیاسی دزدیده شدند و در طول یک روز حکم اعدام ۹۸ نفر از آنان توسط خلخال صادر شد و به اجرا درآمد. مخفیانه اعدام شدند.

دستگاه خونریزی و سرکوب جمهوری اسلامی حتی برای یک روز هم متوقف نشد. شکستن قلمها از همان روز اول آغاز شد و حمله به احزاب و سازمانهای سیاسی سازماندهی گردید. شکنجه و اعدام بصورت مهمترین ابزار حکومت برای بقا و "اداره" مملکت درآمد. بهار ۵۹ با بستن دانشگاهها و کشتار دانشجویان به پایان رسید. در کنار اخبار رسمی شکنجه و اعدام و زندانهای علنی، عملیات آدم ربائی، ترور و اعدام

های مخفیانه توسط دست اندرکاران حکومت در سطح وسیع آغاز شد. زندانهای مخفی و غیر رسمی بوجود آمد. هر امام جمعه و هر کمیته ای زندان و شکنجه گاه و جوخه اعدام و ترور مخصوص خود را راه اندازی کرد.

پس از خرداد ۱۳۶۰ کشتار ها به اوج خود رسید. خبر اعدام هزاران نفر از شریفترین و آزاده ترین انسانهای آن دوران را می توان در روزنامه های آن زمان دید. هر روز خبر اعدام دهها نفر در زندانهای رژیم منتشر میشد. گزارشها و اخبار رسمی رسانه های دولتی نشان میدهد که حتی خواندن نشریات سازمانهای سیاسی، به همراه داشتن قرص ضد بارداری و یا به همراه داشتن نمک و

تابستان ۶۷ نقطه اوجی در توحش حکومتی بود که پس از گذشت قرنها دوباره جان گرفت و زهر و کینه ای که در طی چند صد سال از انسانیت و تمدن در وجودش انباشته شده بود، به یکباره بر سر مردم خالی کرد. کشتارها در تابستان ۶۷ آغاز نشد. جنایت همزاد جمهوری اسلامی است و حتی در زمان شکل گیری آن چهره شنیع خود را در آتش زدن سینما رکس آبادان نشان داده است. عطش خونریزی جمهوری اسلامی از همان روزهای اول پس از قدرتگیری خود را به نمایش گذاشت. هنوز چهل روز از آغاز حکومتش نگذشته بود که نوروز خونین سمنندج را با بمباران و کشتار صدها نفر از مردم این شهر رقم زد. در ماه ششم خود بود که شمشیر را از رو بست. خمینی فتوای خود مبنی بر کشتار و سرکوب را علنی ساخت و از غفلت چند ماهه خود در برپا کردن چوبه های دار در میدانی بزرگ اظهار پشیمانی کرد: "اگر ما از اول قلم تمام مطبوعات مزدور را شکسته بودیم و تمام مجلات فاسد را تعطیل کرده بودیم و حزب های فاسد را ممنوع اعلام کرده بودیم و رؤسای آنها را به جزای خودشان رسانده بودیم و چوبه های دار در میدان های بزرگ برپا کرده بودیم و مفسدین و فاسدین را درو کرده بودیم، این زحمت ها پیش نمی آمد. من توبه می کنم از این اشتباهی که کرده ایم" و چند روز بعد بود که تصاویر اعدامها در کردستان و حتی اعدام مجروحی که روی برانکاراد خوابیده بود، منتشر شد. این عکس بعد ها شهرت جهانی یافت، تصاویری که بعنوان یکی از اسناد جنایات جمهوری اسلامی شهرت جهانی یافت. زمستان ۵۸ در نیمه خود بود که حمله به ترکمن صحرا سازمان داده شد. رهبران سیاسی

پاسخ به چند سوال مارکس، مرام اشتراکی، آزادی (بخش دوم)

اصغر کریمی



میخواهیم مالکیت آن یک درصد مفتخور را که ۹۰ درصد امکانات جامعه را در اختیار گرفته است، ملغی کنیم و به کل جامعه برگردانیم. در واقع ما میخواهیم همه مردم را صاحب مالکیت کنیم نه اینکه مالکیت را از مردم بگیریم. در سوسیالیسم مردم صاحب دارائی های شخصی بیشتری میشوند.

باشد، نمیخواهد اینهمه از بالای سرش درمورد زندگی و کار و تحصیل و محیط زیستش تصمیم بگیرند و هر بلائی خواستند سرش بیاورند. و ایکاش فقط بیحقوقی همین اندازه بود. در بخش وسیعی از جهان سرمایه داری زبان آدم را هم میبرند و حق هر اعتراضی را از او سلب کرده اند و در حکومت های سرمایه داری نوع اسلامی حتی امکان انتخاب رنگ و فرم لباس و روابط شخصی اش را هم از او گرفته اند. تکنولوژی ارتباطی امروز امکان دخالت هر روزه بشر را در همه ابعاد زندگی فراهم کرده است اما طبقه حاکم با چنگ و دندان جلو دخالت مردم را گرفته است. اما در سیستم شورائی که تنها با سوسیالیسم امکانپذیر میشود، راه دخالت هرروزه بشر در عرصه های مختلف زندگی هموار میشود. من سوال میکنم که کدام پارلمان در کدام کشور و در کدام مقطع تاریخ بشر مکانیزم دخالت شهروندان را فراهم کرده است؟ آیا اینها سوالات بسیار عمیق تری را البته اگر یک لحظه خود را از پروپاگاندا هرروزه رسانه ها خلاص کنیم، مقابل ما نمیگذارد و ضرورت بنیادی تحولات سیاسی و اقتصادی را به آنکه طالب رفاه و آزادی و حرمت است یادآور نمیشود؟

آیا همه چیز اشتراکی میشود؟

سوال من این است که مگر اکثریت مردم چه دارند که اشتراکی شود؟ سرمایه داری بقول مارکس عملا از نه دهم مردم خلع مالکیت کرده است. نه دهم مردم مالکیتی برای از دست دادن ندارند. یعنی آنکه کار میکند مالکیتی ندارد. ما

وجود یک قشر یک درصدی مفتخور که بیش از همه ۹۹ درصد بقیه جهان هفت میلیاردی ثروت و دارائی اندوخته است، دولت های سرکوبگر، بیحقوقی مردم در مهد دمکراسی های غربی، "بالا گرفتن مجدد جهالت مذهبی، مردسالاری، نژادپرستی، قوم پرستی و فاشیسم تا سقوط حقوق و شان فرد در جامعه و رها شدن هستی و زندگی میلیون ها مردم از کودک و پیر و جوان به دست بیرحم بازار آزاد، جنایت سازمان یافته در اغلب کشورها، اعتیاد به مواد مخدر و قدرت روزافزون شبکه های جنائی تولید و توزیع آنها" (به نقل از برنامه یک دنیای بهتر) آیا اینها گواه حقانیت مارکس نیست؟ و آیا ضرورت تغییرات بنیادی در عرصه سیاسی و اقتصادی در جهان معاصر بیش از هر زمان آشکار شده است؟

یک وجه دیگر تصویر دنیای امروز بیحقوقی مردم حتی در خود کشورهای سرمایه داری غرب است. در سوئیس و انگلیس و فرانسه و اسکانندیناوی و آلمان و آمریکا. در مهد این دموکراسی ها، ۹۹ درصد جامعه هیچ حقی برای هیچ تصمیمی در اقتصاد، سیاست و تصمیم گیری های خرد و کلان مملکت ندارند. نه درمورد ساعت کار و بیمه بیکاری و مزد، نه درمورد بستن کارخانه ها و بیکار کردنها، نه شهریه دانشگاه سن بازنشستگی و نه جنگ و تاسیسات اتمی کسی از مردم نظرخواهی نمیکند. مردم فقط حق دارند هر چند سال یکبار به احزاب حاکمی که مقابل مردم میگذارند رای بدهند و به خانه بروند. این کل حق مردم است. نسل جوان و بشر امروز نمیخواهد اینقدر بیحقوق

دارند. ما آزادی ها و خط و مشی کشوری مانند فرانسه و سوئیس و آلمان را میخواهیم. کمونیسم باید خودش را از گذشته رها کند و با مدرنیته و شرایط روز و ادبیات روز پیش برود تا نسل جدید درکش بکند و بداند تنها راه نجات سکولاریزم و سوسیالیسم است و پس. اما تبلیغات ضد کمونیستی بسیار شدید بوده است. مخصوصا با حکومت های کمونیستی بسیار ناکارآمد و دیکتاتوری مانند شوروی سابق و کوبا. من قصد دارم عضو حزب بشوم اما باید برای من و همه مردم ایران سوالاتمان را جواب بدهید، درکمان کنید و همفکری کنیم و انعطاف پذیری داشته باشیم."

آیا افکار مارکس گماکان معتبر است؟

نظر من کافی است چشمتان به کودکان کار در خیابان بیفتد تا عمق حقانیت مارکس را دریابید. فقط حقایق مربوط به ایران برای درک مارکس به اندازه کافی گویا است. بیکاری چندین میلیونی، بیحقوقی و فرودستی زن، تبعیض، شکاف های عمیق طبقاتی، بحران اقتصادی، آموزش جهل و خرافه، وجود حکومت مذهبی، رشد میلیونی تن فروشی و اعتیاد، سایه دائم شوم جنگ. آیا مارکس جز این گفته بود که اینها بخش لایتجزای نظام سرمایه داری است و تا این نظام هست این ستمها و این ناهنجاری ها نیز وجود خواهد داشت؟ آیا کسی تبیین عمیق تر و واقع بینانه تری یافته است؟ به این فاکت ها صدها میلیون بیکار در سراسر جهانی که تحت سلطه سرمایه داری است، صدها میلیون گرسنه،

هفته قبل به چند سوال دوستان حامد پاسخ دادم و اینبار به چند سوال دیگر او میپردازم. در مقدمه پاسخ به سوالات قبل توضیح دادم که همراه با جلب توجه به حزب کمونیست کارگری، سوالات متعددی نیز از جانب دوستان مطرح میشود. پاسخ به این سوالات بخشی از تلاش ما برای معرفی کمونیسم انسانی، معرفی حزب کمونیست کارگری و در عین حال بخشی از مبارزه ما علیه طبقات مفتخور حاکم و پروپاگاندا آنها برای بقای نظم ضد بشری موجود است. و اما ادامه سوالات حامد:

"آیا حزب کمونیست کارگری قائل به افکار صد سال گذشته مارکس است؟ یعنی همه چیز اشتراکی؟

آیا با سرمایه گذاری خصوصی و خارجی مخالفت میکنید؟ چون سرمایه گذاری خارجی و خصوصی میتواند هزاران شغل برای کارگران بیکار و گرسنه ایجاد بکند و مانند اروپا و کشورهای اسکانندیناوی حقوقهای بسیار خوبی هم بدهد تا رفاه ایجاد شود.

- آیا قبول دارید که در ایران کنونی، طبقه کارگر مختص به کارگران به تنهایی نیست بلکه حتی کارمندان و دانشجویان و اکثریت مردم که با مشکلات روبرو هستند هم جزء طبقه کارگر محسوب میشوند؟ اکثریت مردم ایران خوب میدانند تنها راه نجات ایران سوسیالیسم و کمونیسم است که میتواند برای همیشه ایران را از چنگال ۱۴۰۰ سال استبداد و خرافات مذهبی و قشر آخوند و رسانه هایشان در منابر و مسجدها نجات دهد. تنها راه نجات ایران و مردم است اما باور کنید بخاطر تجربه های کمونیسم در دیگر کشورها ترس

از صفحه ۴

پاسخ به چند سوال مارکس، مرام اشتراکی، آزادی (بخش دوم)

اصغر کریمی

بدون استثنا میلیون ها نفر بیکار نشده اند؟ ظاهراً اینطور بنظر میرسد که يك سرمایه دار در يك منطقه کارخانه ای دایر میکند و منت سر دیگران میگذارد که برایتان کار ایجاد کرده ام. اما سوال این است که سرمایه دار سرمایه هنگفت خود را از کجا آورده است؟ مگر غیر از این است که در يك پروسه استثمار آنها را کسب کرده است؟ در این صورت روشن نیست که این نیروی کار بوده است که به انباشت سرمایه در دست يك اقلیت تبدیل شده است؟ و سرمایه دار هر وقت هم اراده کند کارخانه اش را به منظور کسب يك کار پردرآمدتر میبندد و هزاران نفر را بیکار میکند و یا کارخانه خود را به کشوری میبرد که کارگزارانش بیدفاع ترند و دستمزدهای کمتری می گیرند. این چیزی است که هر روز در همه کشورهای زیر نگیں سرمایه داری اتفاق می افتد. توصیه میکنم مانیفست را يك بار دیگر مطالعه کنید. باور کنید هنوز کهنه نشده است!

میگوئید سرمایه گذاران خارجی حقوق خوب میدهند. لطفاً اینرا از کارگر آلمانی و سوئدی بپرسید ببینید آیا در خود اروپا به او حقوق خوب میدهند؟ در غرب هم هر ماه و سال مبارزه برای افزایش دستمزد جریان دارد. در غرب هم دهها میلیون نفر را به قراردادهای موقت و بی تامینی شغلی سوق داده اند. شکاف طبقاتی بیداد میکند. بویژه در هر بحرانی از جمله بحران مزمز کنونی، سطح زندگی اکثریت مردم در غرب در

حق با شما است. بخش اعظم حقوق بگیران اعم از معلمان و پرستاران، مهندسين و تکنسین ها، بخش اعظم جوانان بیکار از جمله فارغ التحصیلان دانشگاهها و بخش اعظم کارمندان در شرایط اقتصادی کم و بیش مشابهی با طبقه کارگر بسر میبرند و بخشی از همین طبقه اند. اما بخش بخش شده اند، یکی کارمند و یکی کارگر نامگذاری میشود تا صفوفش را تکه تکه پاره کنند.

نوشته اید: ما آزادی ها و خط مشی کشوری مانند فرانسه و سوئیس و آلمان را میخواهیم. بنظر ما حق شما و همه مردم از اینها بسیار بیشتر از این است و در همین غرب جنبش ۹۹ درصدیها علیه بیحقوقی خود در حال اعتراض است. امروز همین درجه از آزادی هم به قدرتمندتر شدن کمونیسم گره خورده است. کسی که حتی فقط خواهان آزادی بیان و عقیده و یا رهائی از شر مذهب است باید از کمونیسم، و مشخصاً کمونیسم کارگری و حزب کمونیست کارگری حمایت کند. اجازه بدهید کمی اینرا توضیح بدهم:

امروز هیچ بخشی از احزاب سرمایه دار و به اصطلاح لیبرال و دمکرات و ناسیونالیست حتی قول بهبود چندانی هم نمیدهند. برعکس مدام در حال عقبگرد هستند و تلاش میکنند دستاوردهای تاکنونی مردم در زمینه های رفاهی و حتی آزادی های سیاسی را نیز محدودتر کنند. در ایران نیز سرمایه به نیروی کار ارزان نیاز دارد و در نتیجه مطلقاً به همین درجه از آزادی بیان و تشکل که فی الحال در غرب وجود دارد، هم برای جوامعی مانند ایران رضایت نمیدهد. هر بخشی از این طبقه سر کار بیاید همین که جای خود را محکم کند بساط زندان و سرکوبش را هم راه خواهد انداخت. شما تک تک احزاب و سازمان ها و شخصیت های

مدافع سرمایه داری حتی لیبرال ترین و سکولارترینشان را نگاه کنید، حتی يك پلاتفرم شش سطر در مورد آزادی بی قید و شرط بیان و اعتراض و اعتصاب و تشکل یا لغو مجازات اعدام و خلاص کردن مذهب از زندگی اجتماعی مردم را از آنها نمیبینید. میگویند زود است، میگویند مردم آمادگی اش را ندارند، میگویند جمهوری اسلامی وضع را خراب کرده و باید سی سال دیگر ریاضت کشید و روشن است که ریاضت با آزادی های سیاسی همخوانی ندارد، میگویند فرهنگ مردم در ایران با سایر نقاط دنیا فرق دارد و در نتیجه همان الگوها را نمیتوان در ایران پیاده کرد. و هزار بهانه دیگر میآورند تا توقعات را پائین نگهدارند. و این تنها فشار کمونیسم و آزادیخواهی و فشار امثال حزب کمونیست کارگری است که گاهی برخی از این جریانات را وادار میکند گاهی علیه اعدام یا حکومت مذهبی غر و لندی بکنند. ادبیات آنها در مورد حق و حقوق مردم و رفاه و آزادی نیست، پر از داستانسرائی کشکی در مورد کورش و داریوش و تمامیت ارضی و افتخارات گذشته است. اینها کدهای سیاسی و ایدئولوژیک آنها است که ذره ای با خواست های وسیع نسل جوان و مردم خوانائی ندارد.

امروز در هر صورت سرمایه داری در مهد خود، در آمریکا و اروپا در بحرانی عمیق دست و پا

میزند و مردم بیشتری را به کام فقر و محرومیت فرومیبرد، قدرت خرید اکثریت مردم کاهش می یابد، سن بازنشستگی در دو دهه گذشته مرتب افزایش یافته و وضعیت سالمندان به مراتب بدتر شده است. بیکاری گسترش یافته و به بیمه های بیکاری بشدت حمله شده است. در کشورهای آفریقا و آسیا و آمریکای جنوبی و مرکزی اوضاع صدمبار از این فلاکت بارتتر است. اینها گوشه کوچکی از واقعیت امروز نظام سرمایه داری است. آیا همین ها برای اعلام عدم شایستگی این نظام، ورشکستگی سیاسی و ایدئولوژیک آن و ضرورت زیر و رو کردن آن با نظامی انسانی یعنی سوسیالیسم کافی نیست؟

دوست عزیز، خیلی نکات دیگر هم هست که باید در این بحث به آنها پرداخته شود. در مورد اینکه چه بر سر انقلاب اکتبر آمد و چرا چین و کره بعنوان مثال کمونیست شناخته شدند، و خیلی مسائل دیگر باید حرف زد. بویژه در مورد اینکه کمونیسم باید تصویر مدرن تری از خود بدهد اینها همه مهم اند و شخصاً امیدوارم در هفته های آینده به آنها بپردازم. امیدوارم تصویر روشن تری از حزب کمونیست کارگری و کمونیسم متفاوت ما گرفته باشید. سوالات شما و دوستانتان همه واقعی است و برای خیلی های دیگر هم مطرح است و باید تک تک شان جواب بگیرد. بخاطر طرح آنها صمیمانه از شما قدردانی میکنم.

اوت ۲۰۱۳*

International Committee Against Stoning

<http://stopstoningnow.com>

International Committee Against Execution

<http://notonemoreexecution.org>

For more information contact:

Spokesperson: minaahadi@aol.com

0049-177-569-2413

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

وعده دولت روحانی، سونامی بیکاری

شهلا دانشفر



مانند. این را اعتراضات هر روزه کارگران و جنگ هر روزه دختران و پسران جوان در خیابان در مقابل قوانین ارتجاعی اسلامی به روشنی دارد بیان میکند. وحشت دولت روحانی و وزیر اقتصادی طیب نیا از چنین شرایطی است و نگاهی به این اوضاع بار دیگر بر این حقیقت تاکید دارد که فروپاشی اقتصادی رژیم اسلامی علاج پذیر نیست. و در سر پروردان هر گونه طرح و نقشه اقتصادی برای نجات از این وضعیت خواب و خیالی بیش نیست.

در این میان نکته مهم برای ما کارگران و ما مردم گسترش اعتراضاتمان در سطحی سراسری است. بار دیگر پاسخ طرحهای "هدمند کردن یارانه ها" ایشان را با جنبش سراسری نپرداختن قبض ها بدهیم. در برابر دولتی که برای پر کردن خزانه خالی اش، زندگی و معیشت ما کارگران و مردم را نشانه رفته است، خواستار افزایش فوری دستمزدها شویم و جنبش سراسری خود برای این خواست را به جلو ببریم. با صافی متحد در برابر سونامی فقر و گرسنگی و بیکاری بایستیم و به تدارک اعتصابات سراسری برویم.*

الان آنها را در مقابل یکدیگر و به تناقض گویی انداخته است. برای جلو بردن این سناریو کابینه امنیتی شان را نیز بخوبی حدادی کرده اند. برای اجرایی کردن این سیاست در کنار لیبخند ها و وعده های بنفششان در همین مدت اعدام ها شدت گرفته و فشار بر روی زندانیان سیاسی بالا گرفته است. گشت های ارشادشان فعالانه مشغولند و حمله به مهمانی ها و دستگیری دختران و پسران جوان و غیره همچنان در جریان است. حمله به ماهواره ها نیز در دستور است.

خلاصه کلام اینکه طیب نیا درست میگوید سونامی بیکاری و اضافه کنم نه فقط این بلکه سونامی فقر و گرسنگی بیشتر یک چالش بزرگ دولت روحانی است و همه شواهد به روشنی نشان میدهد که در برابر این شرایط کارگران و مردم ساکن نمی

بودن حل مشکلات اقتصادی در ایران سخن میگوید و مشکلات اقتصادی در ایران را ریشه ای دانسته و بهبود آنرا در بازه ای سه تا چهار ساله ممکن میداند.

لب همه این سخنان دعوت کارگران و مردم به "جهاد اقتصادی" ولی فقیه شان و فقر و فلاکت بیشتر برای مردم است. دعوت به انتظار و نابودی میلیونها مردم در زیر سونامی بیکاری هاست و اینها همه مضمون تبلیغات کثیف طیفی از ملی اسلامی ها و جریانهای چون اکثریتی و توده ایها و رسانه هایی نظیر بی بی سی و صدای آمریکا ست. چون کل نظام را در خطر می بینند.

به عبارت روشنتر این سناریوی دولت "تدبیر و امید" روحانی برای مردم است. سناریویی که ترس و هراس از آن و عواقب اجتماعی اش از همین

یارانه ها در زندگی بسیاری از مردم ایران وارد شده و آنها این پول را جزء سبد هزینه درآمدی خود به حساب آورده اند و به همین دلیل قطعا پرداخت نقدی یارانه ها ادامه خواهد داشت. "او با این سخنان در واقع دارد از فشار فضای اعتراضی جامعه علیه فقر و گرانی و اینکه هم اکنون هفتاد میلیون طلبکار دولت هستند، سخن میگوید. طیب نیا همانجا به کسری ۸۰ هزار میلیارد تومانی در بودجه سال ۹۲ برای اجرای طرح "هدمند کردن یارانه ها" اشاره کرده و به گفته خودشان چشم امید دولت به افزایش حامل های انرژی است. اینجاست که پرده از روی گفته طیب نیا و سونامی ۸ و نیم میلیونی که در راه است، بر داشته میشود. همه بحث بر سر به آخر رساندن "طرح هدمند کردن یارانه ها" یعنی طرحهای ریاضت اقتصادی شان است. بحث بر سر افزایش بیشتر قیمت ها و چند برابر شدن آنهاست و در نتیجه بحث بر سر به ورشکستگی کشیده شدن کارخانجات بیشتر و بیکارسازی های بیشتر است. اینجاست که ابعاد سونامی بیکاری ای که طیب نیا چنین هراسناک هشدارش میدهد، بیشتر بر ملا میشود. به عبارت دیگر اینست مضمون واقعی وعده صد روزه روحانی برای تغییر معیشت مردم. در واقع طیب نیا دارد از آشی که برای کارگران و کل جامعه پخته اند و هراس و وحشتشان از سیلی که در راه است سخن میگوید. بدین ترتیب در حالی که روحانی وعده تغییر صد روزه معیشت مردم را میدهد، طیب نیا وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی حرف آخر را زده و از غیر ممکن

روحانی وعده تغییر صد روزه معیشت به مردم میدهد و علی طیب نیا وزیر امور اقتصادی و دارایی او از راه بودن سونامی ۸ و نیم میلیونی نفری بیکاری خبر میدهد. طیب نیا از حدود ۵ میلیون نفر جوان فارغ التحصیل از دانشگاه ها که به زودی وارد بازار کار میشوند و سه و نیم میلیون بیکار موجود سخن میگوید. او از سونامی تاریخی بیکاری و ابعاد بیسابقه وارد شدن نیروی جوان و جویای کار در بازار نسبت به صد سال گذشته سخن میگوید. او از سیل بیکاری و خرابی آن در خانواده ها به عنوان یک بحران برای جوانان نام میبرد و اشاره بر این دارد که کمتر خانواده ایست که حداقل یک نفر بیکار در آن وجود نداشته باشد و بالاخره اینکه موضوع بیکاری را یکی از چالش های مهم دولتشان میخواند. آمار او طبعاً تمام حقیقت را بیان نمیکند. جمعیت عظیم میلیونی زنان خانه دار اصلاً جایی در این آمار ندارند. بسیاری از مشاغل چون دستفروشی، کارهای موقت، مشاغل فصلی، کارهای خانگی و غیره اصلاً در این محاسبات منظور نیستند، بعلاوه اینکه با ورشکستگی هر روزه کارخانجات و بیکارسازیهای گسترده هر روز بر جمعیت بیکاران افزوده میشود. ابعاد بیکاری و سونامی ای که طیب نیا از آن سخن میگوید به اینها خلاصه نمیشود، بلکه بحث بر سر اقتصاد فروپاشیده رژیم اسلامی و مخصصه ایست که در آن گیر کرده اند. از جمله "طرح هدمند کردن یارانه ها" که قرار است جبران خزانه خالی شان را بکند، روی دستشان مانده است. طیب نیا در گفتگویی در رابطه با همین موضوع میگوید: "پول

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ - پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ - FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

خطر تعطیلی "ایران ترانسفو" زنجان و بیکارسازی ۲۸۰۰ کارگر!



به دنبال خواهد داشت. سیاست دولت، کارفرمایان و صاحبان کارخانه‌ها در طول دو دهه گذشته، توجیه بی‌شرمانه بیکارسازیهای گسترده، با اسم رمز "بحران بدهی، کمبود نقدینگی و..." بوده است. این همان سیاست نخ‌نمایی است که بر اساس آن در دوره هشت ساله دولت احمدی نژاد صدها هزار کارگر را اخراج کرده‌اند. در این میان سرمایه داران و صاحبان کارخانه‌ها میلیاردها تومان از قبل همین بیکارسازیهای گسترده به جیب زده‌اند.

طلبها و بدهیهای کارفرمایان و دولتشان ربطی به کارگران ندارد. امنیت شغلی حق کارگران است. داشتن کار با دستمزد کافی برای یک زندگی مرفه حق کارگران است. سیاست اخراج و بیکارسازیهای گسترده حکومت اسلامی سرمایه داران، از جمله خطر بیکاری کارگران در ایران ترانسفوی زنجان را باید با اعتصاب و اعتراض و مبارزه برعلیه این سیاستها به شکست کشاند. باید با

از اوایل مرداد ماه امسال خبرهایی مبنی بر احتمال تعطیلی کارخانه "ایران ترانسفو" در زنجان و به تبع آن بیکارسازی بیش از ۲۸۰۰ کارگر در رسانه‌های حکومتی منتشر شده است. صاحبان کارخانه و کارفرمایان دلیل این امر را عدم پرداخت بدهی‌های وزارت نیرو به این کارخانه اعلام کرده‌اند. از قرار معلوم میزان بدهی‌های وزارت نیرو به این کارخانه ۸۰ میلیارد تومان می‌باشد. تولیدات این کارخانه به سفارش وزارت نیرو که انحصار نصب ترانس‌های برق در ایران را در دست دارد، صورت می‌گیرد.

صاحبان کارخانه ادعا می‌کنند که درخواستهایشان از وزارت نیرو برای پرداخت بدهی‌هایشان به این کارخانه به نتیجه‌ای نرسیده و این امر "مشکلاتی" را برای کارخانه بوجود آورده است. اینکه وزارت نیرو بدهی‌هایشان به صاحبان این کارخانه را پرداخت نکند یا نکند، فرقی در این واقعیت نمی‌دهد که تعطیلی این کارخانه بیکاری بیش از دو هزار کارگر را

تشکیل مجمع عمومی کارگران در مورد راههای مقابله با این سیاستها چاره جویی کرد. باید با سلاح اعتصاب و تجمع و اعتراض در مقابل نهادهای دولتی امنیت شغلی را به کارفرمایان و دولتشان تحمیل کرد.

معیشت، منزلت حق مسلم کارگران است! کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۲ شهریور ۱۳۹۲، ۲۴ اگوست ۲۰۱۳

شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا باید رفع اتهام شوند



اتحادیه نشدند. پس از گذشت ۲۱ ماه از بازداشت شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا و برگزاری دادگاههای متعدد بر علیه این کارگران، شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان کردستان طی ابلاغیه‌ای اعلام کرده است روز هفتم مهر ماه آینده دادگاه تجدید نظر این دو فعال کارگری در شهر سنندج برگزار خواهد شد.

بازداشت و زندانی کردن و تحت فشار قرار دادن فعالین کارگری سیاستی است که جمهوری اسلامی برای ساکت کردن صدای اعتراض کارگران و کل جامعه در پیش گرفته است. چهره‌های محبوب و شناخته شده در جنبش کارگری، یکی از دستاوردهای مهم این جنبش است. جمهوری اسلامی و دادگاه ضد کارگریش میخواهند این دستاورد را از جنبش کارگری بگیرند و جامعه را از رهبران و سخنگویان لایق خود محروم کنند. اجازه نخواهیم داد که رژیم اسلامی به این اهداف خود برسد.

شریف ساعد پناه نماینده کارگران کارخانه ریسندگی پریس و از رهبران کارگری خوشنام در شهر سنندج است و مظفر صالح نیا معلم اخراجی، فعال کارگری در شهر سنندج و انسان عدالتخواهی است که بدنبال کمک به یک فرد خیابان خواب در سرمای شدید شهر سنندج و اعتراض به چنین وضعیتی بازداشت شد.

بنا به خبر منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران، این دو عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران به ترتیب در روزهای ۱۵ و ۱۸ دی ماه ۱۳۹۰ از سوی مأمورین امنیتی با اتهامات واهی بازداشت و روز ۲۹ دی ماه همانسال با قرار وثیقه ۸۰ میلیون تومانی از زندان آزاد شدند. در این محاکمات قاضی دادگاه شرط صدور حکم برائت برای این کارگران را استعفا از اتحادیه آزاد کارگران ایران اعلام کرد. اما آنان در این دادگاهها، بر حق کارگران مبنی بر برپائی تشکلهای مستقل کارگری تاکید نموده و حاضر به استعفا از

باید بجرم تحمیل فقر به کارگران و تباہ کردن زندگی میلیونها انسان مورد محاکمه قرار گیرند. شریف ساعد پناه، مظفر صالح نیا باید رفع اتهام شوند و کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ اوت ۲۰۱۳، ۵ شهریور ۹۲

کمیته کردستان حزب از کارگران، تشکلهایشان و از همه مردم می خواهد به سیاست تعقیب، بازداشت و تهدید فعالین کارگری از سوی نهادهای حکومت اسلامی اعتراض کنند. نباید هیچ انسانی بخاطر اعتراض به فلاکتی که جمهوری اسلامی به مردم تحمیل کرده است تحت تعقیب، بازداشت و محاکمه قرار گیرد. این سران جمهوری اسلامی هستند که

گزارش میز اطلاعات کمیته علیه اعدام در مرکز شهر تورنتو

دمکراتیک هست. آنجا انتخابات هست و مردم خودشان رای میدهند که با توضیحاتی که به او داده شد باعث تعجب از دروغگوئی مدیا شده و گفت چنین حکومتی باید نابود شود و ما نباید به مدیائی مثل سی ان ان گوش دهیم و از یک زاویه به قضایا نگاه کنیم و گول بخوریم.

در طول این دو ساعت ما شاهد حمایت‌های زیادی بودیم و بعضی از عابریان شروع میکردند ایران را با کشوری که از آنجا آمده بودند مقایسه میکردند که آنها هم یا در شرایط بدی هستند یا بودند و معتقد بودند مردم باید کاری بکنند و سوال میکردند اگر مردم رژیم را نمیخواهند چرا آن را سرنگون نمیکنند که با توضیحات داده شده متوجه میشدند چطور این رژیم تا حالا بر سر قدرت مانده است. تمام کسانی که نزدیک میز میشدند افسوس میخوردند که مردم ایران دچار چنین حکومت جنایتکاری هست و چنین بساط قتل و جنایتی را پهن و هر روز از مردم قربانی میگیرند و جوانان را اعدام میکنند.

این میز اطلاعات دیروز هم یک فعالیت بسیار مؤثر و موفق بود که توجه انسانهای زیادی را در یکی از شلوغترین نقاط شهر تورنتو به گوشه‌هایی از جنایات رژیم اسلامی جلب کرد. عابریان ابراز همدردی کردند، تصاویری را که رژیم با اعدامها در صدد ارعاب جامعه را دارد، دیدند و نفرت خود را بار دیگر بر علیه رژیم جنایت و اعدام ابراز کردند.

کمیته بین المللی علیه اعدام - تورنتو
۲۸ اوت ۲۰۱۳



بسیاری از عابریان به فعالین کمیته بین المللی علیه اعدام میگفتند در جریان خیلی از این جنایات هستند و سوال میکردند چرا مردم کاری نمیکنند و بعضی می پرسیدند به نظر شما مردم چکار باید بکنند.

در یک مورد، یکی از عابریان در صحبتی که با یکی از ما داشت گفت مگر زنان را هم در ایران اعدام میکنند. گفت رسانه‌ها اینطوری نشان میدهند که ایران یک کشور

روز سه شنبه ۲۷ اوت ۲۰۱۳، فعالین کمیته بین المللی علیه اعدام - تورنتو، برای چهارمین بار در مرکز شهر تورنتو از ساعت ۱۱ صبح تا ۱ بعدازظهر میز اطلاعاتی و نمایشگاه عکس از اعدامها را در تورنتو برپا کردند. فعالین کمیته بین المللی علیه اعدام با اشاره به موج اعدامها در ایران، از عابریان دعوت کردند که طومار علیه اعدام را امضا کنند که با استقبال گرم آنها مواجه شدند.

از صفحه ۱

سوریه: مجازات یک انقلاب!

مصطفی صابر

خود مردم سوریه و ارگانهای مستقیم و بلافصل خودشان قرار گیرند. مردم قهرمان سوریه شایسته‌ترین حمایت‌ها و موجی از همبستگی فعال جهانی اند.

طبعاً به میزانی که این جهت گیری نیرو به خود جذب کند میتوان به جنبه‌های عملی تری هم پرداخت. ولی در قدم اول باید همین سیاست‌ها را بطور جدی پیگیری در همه جا طرح کرد و مردم را به دخالت فعال در چهارچوبه فوق فراخواند.*

اعتراض علیه حامیان اسد در همه جا برپا شود.

در عین حال باید نیروهای ارتجاعی و اسلامی که در صف مخالف اسد قرار گرفته و دست به جنایت علیه مردم میزنند محکوم شوند. اینها هم باید شرشان را گم کنند. هرگونه دخالت دولتهای دیگر که به مردم سوریه لطمه بزند و یا موجب قدرت گیری نیروهای ارتجاعی شود باید با همان حرارت مورد اعتراض قرار گیرد. سرنوشت سوریه باید در دست

آزادیخواه ساکت نباشند، منتظر وقایع ننشینند و سیاست فعالی در قبال سوریه اتخاذ کنند. رهوس چنین سیاستی طبعاً نکاتی نظیر این است:

اسد و دولت جنایتکارش هرچه زودتر باید به زیر کشیده شود. این اولین قدم در راه بهبود اوضاع است. واضح است که اسد و حکومتش فاقد هرگونه مشروعیتی است و هر روز بقای آن بمعنی ادامه وضع مدهش کنونی است. لذا باید توسط تمام مردم جهان یکصدا محکوم شود و باید هرچه سریعتر شورش را کم کند.

نه فقط اسد و حکومتش مرتکب جنایت علیه بشریت شده و میشود بلکه هر دولت و نیرویی نظیر جمهوری اسلامی و روسیه که از چنین جنایتکاری حمایت میکنند باید بعنوان مرتکبین جنایت علیه بشریت محکوم شوند. باید موجی از نفرت و

مساله فقط این نیست که حرمت انسانی چنین پایمال میشود، مساله فقط این نیست که باز بورژواها و احزاب و دولتهایشان فعال مایشائی شان را به رخ میکشند، بلکه مساله همچنین این است که با به خاک سپاه نشاندن مردم سوریه در واقع دارند انقلاب و انقلاب کردن را مجازات میکنند!

بهمه این دلایل بسیار ضروری است که جهان یکصدا به دفاع از مردم سوریه و مبارزه و تلاش آنها برای رهایی از شر اسد و برای تحقق آمال و آرزوها و انقلاب شان برخیزد. بهمه دلایل فوق لازم است که مردم جهان، کارگران و همه نیروهای

جامعه گذاشته اند. حاصل بلافصل این وضعیت آن است که مردم بیچاره سوریه از حمایت فعال مردم آزاده جهان عملاً محروم باشند و زندگی، آرزوها و انقلاب شان در منگنه جنایات اسد و متحدینش و دخالتهای دول منطقه و نیروهای ارتجاعی و اسلامی له شود.

مساله البته تنها سرنوشت تلخ و تیره‌ای که به مردم سوریه تحمیل شده و میشود نیست. بشریت از آنچه که در سوریه میگذرد لطمات شدیدی میخورد. مساله فقط این نیست که جنایت‌های آشکار جنگی (که بمباران شیمیایی تنها نمونه برجسته آنست) باب میشود،

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود